

## نگاهی دیگر، ایمانی دیگر!

یادی از محقق و مجاهد شهید ابوذر ورداسبی

علی فیاض [alifayyaz1@yahoo.se](mailto:alifayyaz1@yahoo.se)

«پاسداران این نظام در زیر لوای اسلام و انقلاب اسلامی، از هیچ قشریت، فرصت طلبی و قدرت جویی ابایی ندارند و انحصارطلبی و عملکردهای ارتجاعی و سازشکاری با امپریالیسم را به عنوان ارزش های مکتبی جا می زنند و به خورد جامعه می دهند.» (1)

زنده یاد ورداسبی

« آن سوی جاده های قبیله

در خاک و خون داغ حماسه

افتاد تشنه کام

خنیاگری که پیک بهاران بود

مردی که خود تجسم باران بود

در سوگ او

شیون دیار آینه هارا

فرا گرفت

تا آنکه آسمان

به قبیله تسلی داد

با گریه های مکرر

که مثل بهار بر خواهد خواست

یک بار دیگر

ابوذر» (2)

مرداد ماه یادآور سالگرد شهادت زنده یاد، محقق و مجاهد شهید، ابوذر ورداسبی می باشد. (3) او که «شوریده بر هر چه دار و صلیب» بود، به پیمانی که با خدا و خلق خود بسته بود، وفادار ماند، و راه نجات را \_ آن گونه که خود می پنداشت \_ در مبارزه مسلحانه و سرنگونی قهرآمیز رژیم آخوندی یافته بود و با پیوستن به جنبش مسلحانه مجاهدین، و شرکت در عملیات «فروغ جاویدان»، نشان داد که مرگ و شهادت رانه برای «همسایه»! که برای خود نیز روا می دارد.

ورداسبی بدون شک، یکی از چهره های شاخص روشنفکری دینی، در ایران بعد از انقلاب به شمار می رود. او که یک محقق برجسته و نویسنده بی ترقی خواه و رادیکال به شمار می رفت، در همان ماه های آغازین انقلاب، تکلیف خود را با ارتجاع آخوندی روشن ساخت. او با توجه به نگاهی که به دین داشت و انتظاراتی که از مقوله دین در عرصه اجتماعی، در همان اوایل انقلاب خط خود را از جریان ارتجاعی مذهبی جدا نمود. وی که روشنفکری متعهد، روشن بین، آگاه و مردمی بود، بلافاصله پس از به حاکمیت رسیدن رژیم خمینی و شرکا، مواضع قاطع خویش را آشکار ساخت. و در همین راستا به تلاش های چشمگیری دست زد تا خطوط به هم ریخته و مخدوش روشنفکری مذهبی و ارتجاع مذهبی را از هم متمایز سازد. وی که با کوله باری از تجربه مبارزاتی در زندان های شاه، و جنبش روشنفکری دینی، از بازرگان و طالقانی گرفته تا شریعتی و مجاهدین برخوردار بود، با ارائه تفسیرها و برداشت های ترقی خواهانه از دین، به تقویت جنبش روشنفکری مذهبی ضد آخوندی کمک شایانی نمود.

زنده یاد ورداسبی که خود را متعلق به جنبش روشنفکری دینی می دانست، با قرار گرفتن در کنار چهره های مبارز و نواندیشی چون دکتر محمد ملکی، زنده یاد مجید شریف، طاهر احمدزاده، دکتر حسن تواناییان فرد، پرویز خرسند و ... به تعمیق و ارتقای این جنبش نوپا و اصلاح طلبانه دینی بسیار یاری رساند. دست آوردهای فکری \_ تنوریک او که نقش شاخصی در افشای تحریفات و سوء استفاده های ارتجاع مذهبی داشت، در قالب آثاری ارزشمند به نسل کنجکاو، جستجوگر و فعال آن روزها عرضه گردید. آثاری

که عمدتاً تحقیقی - انتقادی بوده و در شکل دادن به گرایش‌ها ضد ارتجاعی و ترقی خواهانه مذهبی نسل جوان و روشنفکر تاثیر به سزایی داشت.

او محقق دوراندیش، آگاه، مردمی و رادیکال بود که با تکیه بر کوهی از اسناد تاریخی و مفاهیم ایدئولوژیکی، به نبرد با برداشت های ارتجاعی برخاسته بود. نبردی که برای وی دست آوردی به جز آوارگی و شهادت نداشت. او که دردی به جز آگاهی و بیداری مردم محصور شده در خرافات و تحریفات تاریخی نداشت، تمامی هم و غم خویش را به پالایش تاریخ و مفاهیم تاریخی معطوف داشت و در همین راستا به مبارزه بی اصولی با تزویر آخوندی از یک سوی، و جعلیات مدعیان روشنفکری و روشنگری از سوی دیگر دست یازید. نتیجه این تاملات و تلاش ها نقد و افشای آخوندیسم و محققانی چون پطروشفسکی و کپیبه برداران ایرانی وی به نام علی میرفطروس بود! جزمیت فلسفه حزبی، نماد پوشان، درباره کتاب «اسلام شناسی» و ... نمونه های مشخص و ارزشمندی از این نوع تلاش ها می باشد.

به علاوه، وی که صاحب بینشی مساوات طلبانه بود، با شرکت در فعالیت های بیرونی و اجتماعی در همان روزهای آغازین پیروزی مردم بر ارتجاع و استبداد سلطنتی، به تلاش برای تقسیم زمین های غصبی، و باز گرداندن آنها به مردم پرداخت؛ امری که موجب شد تا آخوندیسم حاکم وی را به دادستانی خویش فرا خوانده و به جرم اخلال در نظم اجتماعی! احضار نماید.

شهید ورداسبی با توجه به توانایی های خود در زمینه تاریخ و تاریخ اسلام، به تحقیقات ارزشمندی در همین زمینه ها دست زد. او که در سه زمینه تاریخ، اقتصاد و بازشناسی متون دینی و تفکیک اسلام ارتجاعی و اسلام انقلابی تخصص داشت، با ارائه آثار ارزشمندی چون:

ایران در پویه تاریخ

جزمیت فلسفه حزبی (نقدی بر کتاب اسلام در ایران، نوشته پطروشفسکی)

ضرورت بازشناسی اقتصاد اسلامی

مالکیت و ملکداری در سنت پیامبر و علی

نمد پوشان

شریعتی و روحانیت

مواضع دکتر شریعتی در قبال روحانیت، امپریالیسم، مارکسیسم، مجاهدین، فرصت طلبان چپ نما

درباره کتاب «اسلام شناسی»

\* \* \*

## تفکیک اسلام آخوندی و اسلام مردمی و روشنگرانه

ابوذر ورداسبی، با آگاهی از اینکه آنچه به نام اسلام توسط آخوندیسم عرضه می شود، چیزی جز دکان کسب و کار نیست، آن هم دکانی که اجناس تقلبی می فروشد، با نگرانی از حاکمیت روحانیت و استبداد زیر لوای دین، و استثمار و تزویری که بر زمین و زمان جاری خواهند کرد، بارها به صراحت اعلام نمود که:

«اکنون نیز آنچه به نام اسلام عرضه و پیاده می شود، از اصالت، مشروعیت و حقانیت لازم و مکفی برخوردار نیست و جناح ها و جریانات مرتجع و لیبرال با همه تضادها و اختلافی که دارند در خیلی جاها در کنار هم قرار می گیرند. زیرا در یک اصل و اساس با هم مشترکند و آن حفظ نظام طبقاتی است. نظامی که بر استثمار زحمتکشان و کارگران استوار است.» (4)

او از همان آغاز حاکمیت روحانیت، با توجه به شناختی که از آنها و دیدگاه های ارتجاعی آنان داشت، و آگاهی از این امر که آنها در راستای کسب قدرت و انحصاری کردن همه چیز، آنچه می گویند تنها شعاری برای فریفتن توده ها بیش نیست، به درستی بر این امر تاکید می ورزید که «پاسداران این نظام در زیر لوای اسلام و انقلاب اسلامی، از هیچ قشریت، فرصت طلبی و قدرت جویی ایجابی ندارند و انحصارطلبی و عملکردهای ارتجاعی و سازشکاری با امپریالیسم را به عنوان ارزش های مکتبی جا می زنند و به خورد جامعه می دهند.» (5)

او در روزهای آغاز استبداد و حاکمیت اختناق جدید و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران و فعالان سیاسی سرمست از نشئه «پیروزی» به تفسیر دیدگاه های «روحانیت مترقی و پیشرو» پیرامون آزادی، دموکراسی و عدالت، می پرداختند با صدایی رسا به تفسیر نیازها و احساس های مردم می نشست:

« رویدادهای چند ماه اخیر به خوبی ثابت کرده است که مردم از «دیکتاتور ترویر» عمیقاً رنج می‌برند و فقدان آزادی را بیش از هر وقت دیگر احساس می‌کنند. باید حقانیت این احساس مردم را ارج گذاشت و پیشقدم مبارزه برای آزادی و دموکراسی گردید.» (6)

زنده یاد ورداسی، با نوشتن کتاب علی‌حامی حقوق مخالفین خود، که همچون تیری در چشم ارتجاع بود، توجه بسیاری از دگراندیشان و روشنفکران به ویژه روشنفکران مذهبی را به خود جلب نمود. و صد البته ارتجاع را نیز. امری که باعث شد تا چماقداران مزدور رژیم هر جا کتاب هایش را یافتند، جمع کردند، سوزاندند و یا خمیر کردند! او در این کتاب با اشاره به سیمای سیاسی علی در برخورد با مخالفین خود از جمله خوارج، یادآوری کرده بود که شیوه برخورد وی با مخالفانش، توأم با مدارا و رعایت حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنان بوده است. و آنان که مدعی حکومت علی هستند هرگز نمی‌توانند به نام او مخالفین خود را از حقوق سیاسی و اجتماعی محروم کنند.

او با نوشتن خط مکتب، شخصیت و «کاریسمای» خمینی را به طور بسیار قاطع و بر اساس براهین قرآنی به زیر سؤال برد! او با اشاره به اینکه حتی پیامبر نیز از خطا مصون نبوده است \_ البته با اشاراتی به آیات قرآن \_ به جامعه و مسلمانان یادآوری نمود که وقتی پیامبر بان عظمت و ... اتصال با وحی می‌توانسته است دچار اشتباه شود، از پیر مرتجع چون خمینی چه انتظاری می‌رود؟

### مبارزه ضدامپریالیستی و الزامات آن!

ابوذر ورداسی با تکیه بر کوهی از دانش و تجارب جهانی مبارزات ضد امپریالیستی و نقش نیروهای مردمی، به درستی بر این امر آگاه بود که مبارزه ضد امپریالیستی تنها در جامعه بی‌آگاه و آزاد است که معنا و مفهوم راستین خویش را می‌یابد:

« یکی از الزامات و قوانین مبارزه ضدامپریالیستی، دفاع از آزادی‌های مردمی و انقلابی و به رسمیت شناختن حقوق سیاسی و صنفی تمامی اقشار خلق است. از آنجا که امپریالیست‌ها همواره خواهان جلوگیری از رشد و آگاهی خلق‌ها هستند ایجاد سد و مانع در راه کسب آگاهی‌های سیاسی، فی‌الواقع گامی در جهت امپریالیسم است.» (7)

چرا که ؛ « آزادی‌های مردمی و مبارزه‌ی ضدامپریالیستی در یک رابطه‌ی تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند... چماقداری و چاقوکشی، ضرب و شتم افراد و بازداشت و آزار و شکنجه آنان و اختناق و ترور فکری و هر عامل بیگانه ساز دیگر اجتماعی هیچکدام با ضرورت‌های مبارزه ضدامپریالیستی توافق ندارند که مغایر می‌باشند.» (8)

وی با آگاهی از این امر که تنها نیروهای بالنده، مولد و محروم هستند که از پتانسیل لازم برای مقاومت در برابر امپریالیسم برخوردار می‌باشند، با شناخت نسبت به رابطه فئودالیسم و سرمایه‌داری، و اینکه همواره از نیروهایی به شمار می‌رفته‌اند که در خدمت استعمار و امپریالیسم بوده‌اند، بر این امر تأکید می‌نمود که نمی‌توان هم از فئودالیسم و سرمایه‌داری حمایت به عمل آورد و هم خود را ضد امپریالیسم! نشان داد:

«مبارزه ضدامپریالیستی خودش در پیوند تنگاتنگ و ارگانیک با مبارزه ضداستعماری و ضد فئودالی است. آنهایی که از بزرگ مالکی و فئودال‌های خونخوار دفاع می‌کنند و اسلام پناهانه مارک ضد اسلامی بر فرق طرفداران «جامعه بی‌طبقه توحیدی» می‌کوبند هرگز در رابطه با مبارزه ضدامپریالیستی صادق نیستند هر چقدر هم شعارهای انقلابی بدهند و خود را پرچمدار مبارزه با امپریالیسم جا بزنند.»

بدون شك، اگر او زنده می‌ماند، و به تلاش‌های خود در عرصه تحقیق و روشنگری ادامه می‌داد، می‌توانست یکی از چهره‌های شاخص روشنفکری دینی، و یکی از مبارزین بزرگ علیه ارتجاع مذهبی باشد. اما...

### منابع و توضیحات:

- (1) گوشه‌هایی از فرهنگ غنی و سرشار اسلام، محراب 3، ص 222
- (2) شعر از فریدون انوشه
- (3) ابوذر ورداسی را همزمان با جنبشی شناخته که در سال 1357 طومار حیات استبداد سلطنتی را درهم فرو پیچید. اما در سال 59 بود که با وی از نزدیک آشنا شدم.
- (4 و 5) گوشه‌هایی از فرهنگ غنی و سرشار اسلام، محراب 3، ص 222
- (6 و 7 و 8) ص 53 محراب 3

